

خیمه شب بازی در هند

معمول است با نخ و چوب و به کمک دست بازیگر که دستکش پوشیده است هدایت می‌شوند. بزرگی آدمک‌های خیمه شب بازی هندی از یک ششم تایمی از قد آدمی است و گاهی مانند بعضی از اشکال ملی آن در دیگر کشورها از قد آدمی هم درمی‌گذرد. آنچه آدمک‌های خیمه شب بازی هند را از انواع خود ممتاز می‌نماید آنست که بازیگر آنها را به صورت اشخاص داستان معرفی می‌کند نه به شکل عروسک‌های مضحک. و از این نظر به نمایش هماننداست. خیمه شب بازی فقط در حدود قرن

نمایش خیمه شب بازی از روزگاران بسیار کهن در هند رواج داشته است و هم اکنون گروه‌های دوره‌گردی هستند که کارشان خیمه شب بازی است و آن از این نمایش‌های سرگرم‌کننده می‌خورند. دانشمندان معتقدند که خیمه شب بازی از نمایش‌هایی که به زبان سانسکریت نوشته شده است سرچشمه می‌گیرد و حتی هند را زادگاه این هنر دانسته‌اند. این فرضیه را نمی‌توان خطا شمرد، زیرا کهن بودن نمایش‌های خیمه شب بازی هندی و پای بند بودن آنها به سنت‌ها و خصوصیات ملی خود بر



چند عروسک خیمه شبازی هندی

هفدهم به اروپا راه یافت و این خود می‌رساند که منشاء آن را در خارج از اروپا باید جستجو کرد. دعوی هندیان که می‌گویند این هنر در وطن آنها زاده و بالیده

این مدعا گواهی می‌دهد. در هند آدمک‌های خیمه شب بازی را از پارچه و چوب و چرم کاغذ و موم و حتی سنگ می‌سازند. این آدمک‌ها همچنان که در اروپا



نمای از نمایش خیمه شب بازی هندی
است دعوی استواری است .

آن است برای نمایش به کار می‌برند .
يك نمایش ممکن است يك شب تمام مدت
بگیرد و تنوع آن چندان است که تماشا
کنندگان اندک خستگی احساس نمی‌کنند .

شیوه کار خیمه شب بازی در همه جای
هند یکسان است . بازیگر در پس پرده‌ای
پنهان از چشم تماشا کنندگان جای می‌گیرد
و داستان را با آواز و گفتگو و « گریز »
های اخلاقی ، بیان می‌دارد .

یکی از زیبا ترین داستان هائی که
خیمه شب بازان سه نمایش درمی‌آورند
داستان «آمارسینگه راتهور» پهلوان نامدار
است که در دربار پادشاهان مغول هندوستان
پور و زیبای فراوان به دست آورد . این
داستان را خیمه شب بازان اهل «ماروار» به
زیبائی و چیره دستی تمام نمایش می‌دهند .

«آمارسینگه راتهور» شاه «جده پوره»
و از امیران خراج گزاره شاه جهان ، بود .
مردی دلیر و کستاخ و نیک دل بود ، ولی
گاه گاه به کار های خشونت آمیزی دست
می‌زد که گرفتاری های بسیار برایش فراهم
می‌آورد . روزی در دربار پادشاه به خشم آمد
و به روی او شمیر کشید و به دنبال آن
بسردي سخت ميان او و «شاه جهان»

صحنه ای دیگر از نمایش خیمه شب بازی هند



در زمان ما در هندوستان تنها ایالت
« راجستان » است که در آنجا خیمه شب
بازی خصوصیات کهن خود را نگاه داشته
است . بازیگران دوره کرد هر چند تن
گروهی می‌سازند و هر گروه را استاد یا
سردستهای رهبری می‌کند که « پوتلی‌والا »
خوانده می‌شود . این گروه‌ها هم در شهرها
و هم در دروستاها با استقبال گرم مردم
روبرو می‌شوند .

سرگرمیهای این دوران ، مانند سینما
و جز آن ، کم مانده بود بساط نمایش های
خیمه شب بازی را در هندوستان درهم پیچد .
اما جنبشی به هوا خواهی از میراث کهن
فرهنگی در مردم پدید آمد و این هنر ملی
را از خطر نابودی رهاید .

کیرا ترین نمایش های خیمه شب
بازی در جنوب هند رواج دارد . یکی از
دلایل آن این است که در این قسمت از
سرزمین هند موضوعهای اساطیری که لطف
و گیرندگی خاصی دارد فراوان است . در
جاهای دیگر هند نیز بیشتر نمایش ها از
افسانه ها و سنت های ملی و آداب و رسوم
اجتماعی مردم مایه می‌گیرد .

موضوعی که در نمایش خیمه شب بازی
هند بیش از همه مایه کار هنرمندان این
هنر است حماسه مشهور « رامایانا » است .
در خیمه شب بازی ها چکیده این منظومه
حماسی را که شامل همه قسمت های اساسی

در گرفت که در آن « آمارسینکه » و پیروانش به دست نکهبانان مغول کاخ از پای درآمدند .

تصور مردم این واقعه تاریخی را به زودی به صورت داستان زیبایی از میهن پرستی و پهلوانی در آورد و نمایش های خیمه شب بازی یاد آن را جاودان کردند .

در نمایش های خیمه شب بازی داستان از تبعید قهرمان به « اکره » آغاز می شود : روزی « سالیات جونک » وزیر « شاه جهان » « آمارسینکه » را پیش خود می خواند و او را وادار می کند که به وضع تنگینی در دربار حضور یابد ، اما آمارسینکه شاه جده پور با گروهی از نکهبانان خود با وقار و بی اعتنا به کاخ وارد می شود .

در این میان پرده می افتد و خیمه شب بازی با مهارت تمام ، صفی از رقاصان و سرایان و سواران و سپس صحنه ای از نبرد فیله را از برابر چشم تماشاگران می گذراند و دوباره پرده بالا می رود .

در اینجا ناگهان « آمارسینکه » به یاد می آورد که شاه « جده پور » است . از غیرت خویش به جوش می آید و شمشیر از نیام برمی کشد و وزیر را به بیک ضرب از پای در می آورد . بزرگان مغول و نکهبانان کاخ به میان می آیند ، اما پیروان « آمارسینکه » دلیرانه از او دفاع می کنند و از مغولان

گروه بسیاری کشته می شوند . آمارسینکه قصد جان پادشاه می کند ، اما به پایمردی هندوی پیری دست از کشتار بازمی کشد و با غرور و سربلندی به « جده پور » باز می گردد .

آدمک های این نمایش همه از چوب اند و به رنگ های تند آرایش شده اند : حرکت های آدمک ها به وسیله چند نخ هدایت می شوند . صحنه نمایش را از چوب خیزران به شکل تئاتری کوچک می سازند . « پوتلی والا » یا رهبر بازی ، انگشتان خود را با روغنی چرب می کند و به قوزک پایش زنگوله می بندد ، سوتی در دهان می گذارد و به یاری آن با صدای بسیار نازکی بعضی از صحنه ها را توضیح می دهد . معمولاً زن بازیگر جلو صحنه می نشیند تا از چگونگی اثر نمایش شوهرش در تماشا کنندگان آگاه شود و شوهر را مطلع سازد . فرزندان خیمه شب بازی نیز در این میان وظیفه ای دارند . آنها گاه و بیگاه طبل می نوازند و بدینگونه شوری به نمایش می بخشند .

این نمایش دست کم سه ساعت مدت می گیرد و مهارت بازیگر چندانست که تماشا کنندگان در تمام مدت با ولع بسیار چشم به صحنه می دوزد تا ببینند کار این آدمک های رنگارنگ به کجا می انجامد .

ترجمه اسماعیل سعادت